



کارگران آذر آب و حلقه ای از همبستگی

خالد حاج محمدی

۲۷۹

هفتگی

حکمتیست

۲۴ اکتبر ۲۰۱۹ - ۲ آبان ۱۳۹۸
پنجشنبه ها منتشر میشود

جدال برای آینده ای بهتر

آذر مدرسی

جنگ در یمن، بمب گذاری در بغداد، کشتار در لیبی، حمله نظامی به سوریه، کشمکش ترامپ و دمکراتها در امریکا، کشتار مردم فلسطین، جنگ اقتصادی امریکا و چین، کشمکش میان اروپا و امریکا، دخالت روسیه در خاورمیانه، ترور، فرار صدها هزار نفر، آوارگی و فقر میلیونی، کشتار و جنگ و ویرانی و خبرهایی است که هر روز در میدیای رسمی پمپاژ میشود. دنیایی که این میدیا ترسیم میکند دنیای کشمکش میلیتاریستی، سیاسی و اقتصادی قدرتهای امپریالیستی و نیروهای حاشیه ای آنها است. دنیای سیاهی که برای میلیونها انسان در این کره خاکی جز کشتار و آوارگی، فقر و بیکاری، استیصال و بی افقی مطلق چیزی به ارمان نیاورده است!

اما این همه واقعیت دنیای امروز نیست. در کنار این کشمکشهای و تباهی، جدال دیگری در اعماق این دنیای سیاه در جریان است. جدالی که میدیای رسمی و دست راستی علاقه زیادی به منعکس کردن آن ندارند و حتی امکان آنرا سانسور میکنند. جدال برای جهانی بهتر!

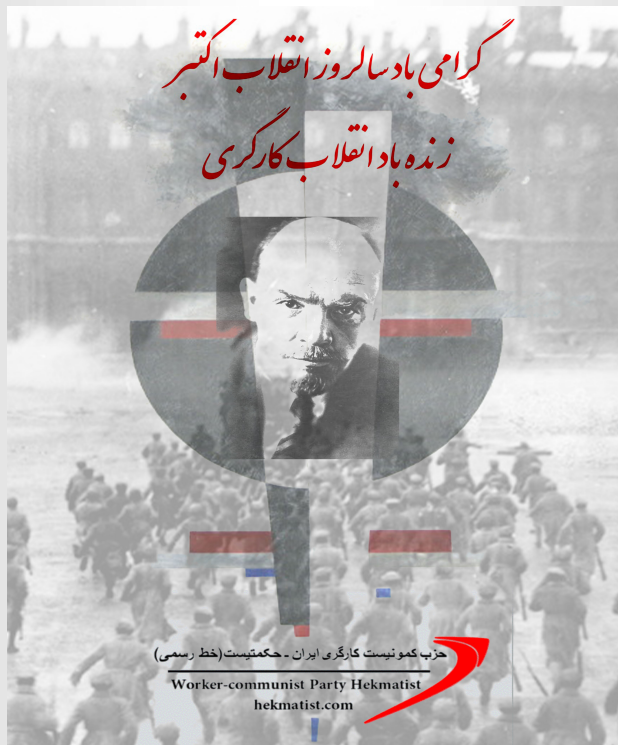
جدال برای رفاه و آزادی، علیه فقر و فلاکت و فساد، جدال برای رهایی از دنیای سیاه و پر از کثافات بورژوازی! جدال طبقه کارگر و اکثریت محروم با مثنی انگل و مفتخور در قدرت! باید سر را برگرداند و گوش را به زمین چسباند تا صدای پای جنبش طبقه کارگر و محرومان را برای تغییر جهان شنید.

شیلی ده روز است که شاهد تظاهرات خیابانی، اعتصاب عمومی در اعتراض به فقر و فساد مالی است. اعتراضاتی که تا بحال نزدیک به ۱۵ نفر کشته و بیش از دو هزار نفر زخمی داشته است. رئیس جمهوری شیلی به حاکمیت هشدار داده که "جنگ با دشمنی نیرومند" در جریان است. در اکثر شهرهای بزرگ شیلی حکومت نظامی

این توحش و بربریت سرمایه آنها، حمایت کارگران هپکو از داران و گماشته هایشان در آنها و همبستگی صمیمانه حکومت نتوانست اراده کارگران آذر آب با کارگران کارگران را در هم شکنند و هپکو، حمایت مردم آزادیخواه تنها رسوایی بیشتر را نصیب اراک از اعتراضات آنها، حکومت کرد. طبق اخبار قدرت و توان سرکوب منتشره از کارگران هفت تپه، حاکمیت را کاهش داده است. دیروز هفت نفر از بازداشتی تجربه هفت تپه و فولاد، اهواز های آذر آب آزاد شدند و بقیه و شوش دوباره تکرار شد! تا ارسال خبر در زنداند.

آنچه در این مدت از اگر اعتراضات کارگری در اعتصابات هفت تپه و فولاد تا گذشته و در تناسب قوای هپکو و آذر آب در جریان بود، بشدت نابرابر سرکوب میشد، صحنه هایی شورانگیز از جدال امروز کارگران آذر آب جدال همبسته و متحد کارگران در میان هم طبقه ای های خود این مراکز در دفاع از ابتدایی نه تنها بازتاب که بعلاوه ترین حقوق خود، در دفاع از حمایتهایی را جلب کرده است. زندگی و حرمت و کرامت آذر آبی ها در این جدال تنها انسانی خود در مقابل سرمایه نیستند. حمایت بی دریغ این داران و دولتشان بود. در مقابل مدت کارگران هفت تپه از کارگران حاکمین تا دندان

اعتراض کارگران آذر آب از طرف حاکمیت با یورش وحشیانه جواب گرفت. اینبار تهدید و ارعاب و خط و نشان کشیدن برای کارگران و فرستادن واعظین و سرانجام جلو انداختن شوراهاى اسلامی برای فریب و نیرنگ هم کار ساز نبود. سرانجام دولت "اعتدال" همانند همه پیشکسوتان خود گارد ضد شورش را به میدان فرستاد تا صدای کارگران آذر آب را خفه کند. روز ۲۸ مهر ماه کارگران آذر آب در سیزدهمین روز اعتصاب خود در کارخانه مورد حمله قرار گرفتند و علاوه بر ضرب و شتم ۲۱ نفر از آنان بازداشت و فردای همان روز دو نفر دیگر نیز دستگیر میشوند. اما



آزادی برابری حکومت کارگری



مسلح با همه جناح و دسته بندی های خود با همه ارگانهای فریب و سرکوب از دولت و مجلس و قوه قضائیه تا نیروهای مسلح و جاسوسان و خبرچینان، از وزارت اطلاعات تا شوراهای اسلامی کار، جیره خواران خانه کارگر و... قرار داشتند. اما همین نبردی نابرابر میان طبقه حاکم با چند مرکز کارگری، با بخشی از لشکر میلیونی طبقه کارگر ایران، حاکمان را در ترس و هراس از آینده خود فرو برده است. امروز دیگر کارگر هیچ مرکزی احساس تنهایی نمیکند، هیچ اعتراض و اعتصاب کارگری تنها نمی ماند، هیچ فعال کارگری و حامی طبقه کارگر در زندان و زیر فشار شکنجه گران و بازجویان مزدور حاکمیت، احساس تنهایی نمیکند. جامعه کارگری ایران تکانی خورده است، پا پیش گذاشته است و صحنه هایی درخشان از قدرت متحد خود را به نمایش گذاشته است.

صدای کارگر عدالتخواه و ضد استثمار و بردگی همه دیوارهای استبداد و سانسور و ترس را به زیر کشیده است. اعتراضات این دوره کارگران در این مراکز، شعارها و مطالبات آنها، پاسخهای کوتاه مدت و دراز مدت آنها به بی حقوقی و استثمار و استبداد، در جامعه ایران توجه جلب کرده است و اقتدار زحمتکش در همه جا به این قدرت، به قدرت کارگر متحد و آگاه چشم دوخته است. امروز طبقه کارگر ایران و بخش بزرگی از محرومین در این جامعه امیال و آرزوهای خود را از زبان کارگران این مراکز، از زبان سخنگویان و نمایندگان راستین آنها، از دل تصمیمات جمعی آنها میبایند.

امروز اعتراضات آذر آب و هفت تپه، هپکو، فولاد و... در مراکز تحصیلی، نسل جوان این طبقه را در دفاع از او متحد میکند. دانشگاه و نسل جوان تحصیلکرده طبقه کارگر و مردم محروم نیز زیر پرچم عدالتخواهی کارگری متحد میشوند و در حمایت از طبقه کارگر پا پیش میگذارد. آخرین نمونه آن تحرکات اخیر در دانشگاه تهران در اعتراض به خصوصی سازی و در دفاع از طبقه کارگر بود.

طبقه کارگر در دل این جدال آموخت و آبدیده شده است. کارگران این مراکز بیشترین تجربه واقعی و

عینی را در این جدال کسب کرده اند. آنها در دل جنگی واقعی و رودررو در مقابل بورژوازی ایران و دولتشان آبدیده شده اند، متحد شده اند، انواع ترفندها را خنثی کرده اند، زندان رفته اند، شکنجه و تهدید و پرونده سازی را تجربه کرده اند، به حقه بازی ارگانهای مختلف جواب داده اند، عقب نشسته اند، باز جلو آمده اند، زمین خورده اند و پشت راست کرده و باز استوار ایستاده اند. آنها در این مسیر آبدیده شده اند، دشمنان رنگارنگ خود را در همه لباسها شناخته اند، خود آگاه شده اند و امروز به قدرت و توان خود ایمان آورده اند. بیخود نیست کارگران این مراکز هزار بار اعلام کرده اند که باید به توان خود و به قدرت متحد خود متکی باشند. اعلام کرده اند که هیچ بخشی از حاکمیت و هیچ مقام و مرجعی قابل اعتماد نیست و همگی حامی و خدمه سرمایه داران هستند، که آزادی زندانیان مان، آزادی همه کارگران و حامیان آنها، معلمان دربند و زنان و دانشجویان آزادیخواه، و طیفه ما و جنبش ماست، که آزادی دستگیر شدگان در جدال طبقه کارگر برای رفاه و بهبود زندگی و برای پاره کردن زنجیرهای استثمار و استبداد جایگاه ویژه ای دارد.

این دوره طبقه کارگر در دل این جدال آموخت که قوه قضائیه و دولت و مجلس با همه حواشی آنها، همگی ارکان حاکمیت اقلیتی سرمایه دارند و ضد کارگر. همگی دشمنان قسم خورده این طبقه اند. این یکی بزرگترین دستاورد طبقه ما در این دوره است.

پیشروی های بیشتر طبقه کارگر در گرو بزرگ شدن حلقه اتحاد کارگری از چند مرکز فوق به مراکز اصلی صنعتی ایران است. این مهمترین هراس حاکمیت است. تا کنون بخش کوچکی از نیروی طبقه ما به میدان آمده است. همین بخش کوچک هزار بار جمهوری اسلامی ایران را چلنج کرده است، ترسانده و هراسان کرده و اقتدار او را شکسته و این تنها گوشه کوچکی از قدرت طبقه ما است.

امروز مبارزات کارگران این مراکز و سرانجام آنها، کسب پیروزی های اولیه در این مبارزات، اهمیت بسزایی در کل توازن قوا و در موقعیت کل طبقه کارگر ایران و کل اقتدار زحمتکش در مقابل بورژوازی ایران دارد.

تمام تلاش حاکمیت، نقشه ریختن، شایعه پراکنی، نفاق افکنی و دروغ و حقه بازی، این همه کارگر پناهی ریاکارانه، این همه تبلیغات زهر آگین همراه با زندان و گرو گرفتن نان شب خانواده کارگری، لشکر کشی و اخراج و آدم ربایی، از روی بی دقتی و نا روشنی نیست. آنها بیش از هر کس به خطر عروج کارگر متحد و خودآگاه برای سرمایه داران آگاهند. بی خود نیست اسماعیل بخشی ها و سپیده ها و امیر حسین ها و... احکام سنگین میگیرند، اما از روسای خود آنها بعد از قتل همسر، همه دزدان و... نه تنها آزادند که ارج و قربشان از طرف دولت و بالاترین مقامات جمهوری اسلامی و بیت رهبری جای خود باقی است. این بیان خود آگاهی آنها است.

روزی که اعتماد به خود در میان کارگران بالا برود، روزی که آرزو و امیال عدالتخواهانه و سوسیالیستی ما در میان این طبقه در شکل اتحاد و همبستگی طبقاتی و اعتقاد به منافع مشترک کارگری، در شکل جمع شدن ما زیر پرچم عدالتخواهی سوسیالیستی در ابعاد وسیع مادیت پیدا کند، آنزمان بورژوازی ایران و جمهوری اسلامی یک روز هم دوام نمی آورد.

این دوره دوره ای جدید است. دوره ای که کوچکترین پیروزی در هر بخشی از جنبش ما، کل طبقه کارگر را یک قدم در جدال با دشمنان پیش میبرد. به همین دلیل پیروزی اعتراضات این دوره کارگران هفت تپه و فولاد، هپکو و آذر آب و ... نقطه تعیین کننده ای در آینده جنبش ضد سرمایه داری کل طبقه ما است. بی شک هر اعتراض و اعتصاب کارگری در توازن قوای کنونی شروع و خاتمه ای دارد. اما مهم این است که اعتراضات کارگران پیروزی هایی کسب کند که اعتماد و همدلی و اتحاد صفوف این طبقه و شرایط زیست آنرا بهبود یابد و سنگری جدی تصرف کند. در این راستا نه تنها رهبران این اعتراضات مسئولیت بسیار بزرگی در مقابل کل طبقه کارگر ایران دارند، بعلاوه کل طبقه کارگر و همه رهبران و فعالین کارگری، همه سوسیالیستهای و کمونیستهای جامعه ایران، در قبال تحرکات کارگری در این مراکز وظایف بسیار بالایی دارند. پیروزی هفت تپه ای ها، آزادی بخشی ها، آزادی آذر آبی ها،

منع تعقیب کارگران و فعالین کارگری در این مراکز، باطل شدن پرونده سازی ها، پرداخت حقوق های معوقه و...، تحمیل مجامع عمومی کارگری، سندیکاها و هر تشکلی که کارگران دارند، منحل کردن دوفاکتو و عملی شوراهای اسلامی و... دستاوردهای بسیار بزرگی در این دوره اند. تحمیل هر بخش از مطالبات در این توازن قوا، نیروی طبقه ما را متحد تر، خوشبین تر و امیدوارتر میکند.

باید تصویر بزرگتری را در مقابل خود بگذاریم. هفت تپه، فولاد، هپکو و آذر آب، گل سر سبد جنبش کارگری ایران و جنبش کل محرومان جامعه ایران بودند. امروز نزد هر انسان شرافتمندی کارگر هفت تپه و نفس اینکه هفت تپه ای باشی، فولاد اهواز، کارگر هپکو و آذر آب باشید، مایه افتخار است. این تصویر بیان سمباتی عظیم در جامعه ایران به عدالتخواهی کارگری است. رهبران هوشیار و دلسوز کارگران این مراکز از منظر کل طبقه کارگر ایران و اکثریت بزرگی از مردم آزادیخواه و شرافتمند جامعه ۸۰ میلیونی نه تنها با چشم احترام عمیق نگاه خواهند شد که به عنوان رهبران صالح سیاسی آن جامعه نگاه میشوند. این موقعیت در تاریخ چند دهه گذشته اولین بار است که اتفاق می افتد. این افتخار بزرگی است که کارگران این مراکز در جنگی همه جانبه برای رفاه، آزادی و برابری، برای امنیت و آسایش برای زندگی ای در شان انسان کسب کرده اند.

این موقعیت شرف انگیز است. این موقعیت سکوی پرش بزرگی برای قدمهای بعدی، به میدان آوردن نیروی بیشتر، تسری اتحاد و همبستگی کارگر به مراکز و بخشهای دیگر، به محلات و شهرهای مختلف است. بی شک کارگران هوشیار این مراکز، کسانی که با جدیت، با تلاش و فداکاری، با احساس مسئولیت بالا، کارگران این مراکز را از همه تندبجهای یک مبارزه افتخار آمیز عبور دادند، خود تجربه کسب کردند و آبدیده شدند و در دل این جدال همدیگر را حمایت کردند و به عنوان تکیه واحد همه مرزهای مابین را کنار گذاشتند و اتحادی بزرگ را فراهم کردند، بخوبی این موقعیت ویژه و مهم آگاهند.

طبقه کارگر و چشم انداز تحویل بیمه بیکاری

مصطفی اسدپور



اتفاقی که ظاهراً موعده آن تا ابد میتواند تمدید بشود! بحث بر سر شکل دادن به اعتراض کارگران بیکار زیر یک پرچم تعرضی است. بحث بر سر اینست که نیروی مادی و باروت اعتراضی آن در جامعه موج میزند.

درد اساسی طبقه کارگر ایران تردید است، و مشخصاً تردید در نیروی خود برای پیروزی! چه کسی گفته است که اعتراض علیه بیکاری مستلزم اتحادیه و سندیکا است؟ چه کسی گفته است تحویل بیمه بیکاری مستلزم جنگ و قیام خونین است؟ بیکاری سر فصل فجایع انسانی آن جامعه از تن فروشی، فروش کلیه، کار کودک، خرده پای مواد مخدر، خودکشی... و همگی بر متن فقر و نداری و تباهی است. این کدام ابلهسی است که ارزش جان و سلامتی و حرمت یک کارگر را در نزد خود او تا این حد نازل میسازد؟ در جائیکه حکومت خود حق بیمه بیکاری را برسمیت شناخته است، درد ادعای دسترسی بیمه بیکاری آنجاست که طبقه کارگر و مشخصاً رهبران کارگری اعتماد بنفس خود را از کف داده اند، این لقمه را برای خود بزرگ میدانند. چه کسی گفته است که مراجعه کارگران به اداره کار و طلب بیمه بیکاری مستلزم تظاهرات و درگیری با گردان سرکوب است؟

وقت آنست که بخش بیکاران طبقه نقش خود را ببینند، و هر چه مصمم تر برای ایفای تمام عیار آن خیز بردارند. "فتح" اداره های کاریابی تازه اول راهی است که در ادامه آن کنگره سراسری شوراهای کارگران بیکار در محل ساختمان مجلس با قرائت اعلامیه لغو کار مزدی به فلسفه وجودی خود پایان خواهد داد. طبقه کارگر نمیتواند به کمتر از این رضایت بدهد.

آن زمان که بیکاران در حاشیه و نیروی ذخیره جنبش کارگران شاغل در کارخانه ها بحساب می آمدند سپری شده است. ساختار و کارکرد

صف بیکران و تلاش فردی آنها از دردناک ترین پدیده های جامعه و دنیای معاصر ایران است. هیچ چیز به اندازه تنهایی کارگر، و در راس آن بیکاران و تلاش فردی آنها ناموجه و غیر قابل قبول نیست.

بیکاری و مصائب ناشی از آن مثل صاعقه کور و غیر قابل پیش بینی نیستند. بیکاری ساخته و پرداخته طبقه حاکم است، برایش نقشه کشیده میشود، در انجام کامل و تمامش مایه میگذارند و برای آن کرور کرور پول خرج میشود. تنهایی و درماندگی و استیصال بخش ثابت و حساب شده "سروشست" بیکاران است. هر کارگر تنها به معنای خاموشی یک صدای اعتراض است، به معنای جای خالی یک حلقه از همبستگی یک جمع است، به معنای روی زمین ماندن سنگی است که میشود روی سنگ دیگری بند کرد، تف نفرتی است که بجای صورت بانیان این جهنم در دهان میخشد.

کارگران حق ندارند، نباید تنها بمانند. این حکم موقعیت اجتماعی کارگران، رمز حیات، سنت و هویت نقش بسته در پیشانی این را به عصیان، به زمانی حواله میدهند که کارد به استخوان برسد، طبقه است، و همه عزت و احترام

به عنوان گام نخست در سازماندهی شورائی کارگران و به عنوان یک راه حل فوری و قابل تحقق برای پر کردن خلاء ناشی از فقدان تشکلهای توده‌ای کارگری، حزب حکمتیست (خط رسمی) خواهان شکل گیری و گسترش جنبش مجمع عمومی کارگری است. هدف جنبش مجمع عمومی ایجاد یک شبکه وسیع از مجامع عمومی کارگران در کارخانه ها و واحدهای تولیدی و اقتصادی مختلف، منظم کردن و مرتبط کردن آنها با هم و از این طریق ایجاد هرچه سریعتر یک ابزار تشکیلاتی موثر و یک رهبری عملی کمابیش سراسری در مبارزات جاری کارگری است.

جنبش مجمع عمومی، که باید با فعالیت آگاهانه کارگران کمونیست بر پا شود، از این نقطه قدرت اساسی برخوردار است که در عین اینکه گام نخست در سازماندهی شوراهای کارگری است، هم اکنون بدلیل وجود زمینه های مادی بسیار مناسب در جنبش کارگری قابلیت تحقق سریع اهداف خود را دارد.

(قطعه نامه در باره تشکلهای توده‌ای طبقه کارگر)

زنده باد سوسیالیسم

مرکز جمهوری اسلامی

جدال برای آینده ای بهتر

جلیقه زردها دوباره در اعتراض به ریاضت اقتصادی خیابانهای پاریس را به اشغال خود در آوردند. ۲۰ هزار نیروی ذخیره ارتش را به برای این جنگ بزرگ با

طبقه کارگر و افشار تهیدست به خیابانها ریخته اند! همانطور که پینوشه از نیروهای ذخیره ارتش برای سرکوب اعتراضات کمک گرفت!

بیش از دو هفته است خیابانهای بیروت و شهرهای بزرگ لبنان زیر پای مردم محروم و طبقه کارگر لبنان به لرزه درآمده است. اعتراض به ریاضت اقتصادی، به فساد مالی گریبان همه نیروها و احزاب حاکم را گرفته است. عقب نشینی های دولت لبنان، تهدید های حزب الله که "اگر به خیابان بیایم، از آن خارج خواهیم شد تا به خواسته هایمان برسیم!" و "خیال سرنگون کردن را از سر بیرون ببرید" هم نتوانست مردم معترض را عقب بکشاند. اعتراض علیه فقر، که برخلاف تصویر "قومی و مذهبی" میدیای دست راستی از جامعه لبنان، همه احزاب قومی و مذهبی را دشمن رفاه و آزادی و سعادت خود میدانند. اعتراضاتی که ساز بورژوازی به میدان آمده است. بعنوان "بحران سیاسی-اجتماعی" و "خطر انقلاب اجتماعی" نام میبرند.

دنیای بر خلاف تصویر میدیای رسمی فقط صحنه جدال دول و قدرتهای ارتجاعی، صحنه تعرض لجام گسیخته بورژوازی به زندگی و آزادی و سعادت بشریت نیست. از ایران تا آمریکا، از لبنان تا فرانسه و از عراق تا شیلی، از مصر و تونس تا یونان و اسپانیا شاهد جنگی عظیمتر، بنیادی تر برای زیر و رو کردن دنیای سیاه دست ساز بورژوازی به میدان آمده است. جدال بر سر آینده بشریت، برای جامعه ای آزاد، برابر، انسانی و مرفه! جنبشی عظیم و قدرتمند که بورژوازی را در سراسر دنیا به هراس انداخته است. جدالی که طبقه کارگر و جنبش کمونیستی آن می رود تا مهر خود را بر آن بزند.

خیزش میلیونی طبقه کارگر و محرومین علیه فقر و فساد مالی در عراق، علیه حاکمیت میلیشیایی و مافیایی احزاب قومی و مذهبی، برای رفاه، آزادی و رهایی از ترور و سرکوب زمین را زیر پای حاکمین در بغداد و تهران لرزاند. خیزشی که شروع دور جدیدی در تاریخ مبارزه طبقاتی در عراق است. همانطور که خیزش دیمه در ایران بود.

در آمریکا چند هزار کارگر ماشین سازی در ۶ کارخانه و ۲۵ هزار معلم در شیکاگو بیش از دو هفته است برای رفاه و علیه بیکارسازی ها در اعتصاب اند.

نشریه هفتگی

حزب حکمتیست (خط رسمی)

www.hekmatist.comسرمدبیر: آذر مدرسی
azar.moda@gmail.com

تلگرام حزب

@HekmatistXateRasmi

فیسبوک حزب

facebook.com/HekmatistX

رادیو نینا

radioneena.com

تلگرام رادیو نینا

@Radionenna

اینستا گرام رادیو نینا

instagram.com/radioneena/

تماس با حزب

دبیرخانه حزب: هساره ابراهیمی

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دبیر دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

سایت آرشیو آثار منصور حکمت

hekmat.public-archive.net

حکمتیت را چاپ و توزیع کنید

و بدست کارگران کمونیست برسانید

برای آزادی، برابری به حزب حکمتیت پیوندید